



Analyzing the role of women's resistance in the novel *Al-Dawameh* based on semantic cues Fontaine's emotional schemas

Sara hasani^{1*}, yahya marof², abdolreza naderifar³, ali salimi⁴

¹Ph.D. Candidate of Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

²Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

³Assistant Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

⁴Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The element of feminine emotion and feelings makes part of the problem of resistance and its internal and external structures and relations recognizable. A number of maps and connotations that reconstruct the strong connection between the purity of the feminine sense and the violent world of war, through this factor, give possible and broad meanings to this pure and pure human concept. This study, with the help of semantic sign approaches and text description and analysis methods, analyzes the novel of Qamar Kilani, the lady of Syrian resistance literature, on the subject of female emotion. The scope of this article is limited to examining the role and position of Syrian women in the novel "Al-Dawameh" based on the method and pattern of Fontaine's emotional schemas. The purpose of this study is to investigate the formation, production and reception of meaning in the field of women's sustainability literature. The discourse suggests how Qamar Kilani develops resistance concepts using her feminine emotions and citing Haziran war as a historic event. She discards common writing styles and provides the reader with sudden happenings. According to the principles relevant to the sign-semantic of the emotional discourse schema, patriotism, encouraging compatriots to scarify themselves for their country, admiration of martyrdom, illustrating the horrors of war, and such like are among important resistance factors had been dealt with in the this novel. Keywords: <i>Semantic sign, Fontaine Women's resistance, AlDawameh, amar Kilani.</i>
Received: 31/01/2022	
Accepted: 11/10/2022	

Cite this article: Hasani, Sara., Marof, yahya., Naderifar, Abdolreza., Salimi, Ali (2023). *analyzing the role of women's resistance in the novel Al-Dawameh based on semantic cues Fontaine's emotional schemas*, Vol. 14, New Series, No.51, spring 2023. Pages:47-66

DOI: 10.30479/lm.2022.16858.3367



© The Author (s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Sara hasani

Address: Ph.D. Candidate of Professor of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah.

E-mail: hasani.sara1367@yahoo.com



فصلنامه علمی لسان مبین (پژوهش زبان و ادب عربی)

شاپای چاپی: ۸۰۰۲-۲۳۵۵

شاپای الکترونیکی: ۲۱۷۶-۳۵۱۶



تحلیل نقش پایداری زنان در رمان الدوامه بر اساس نشانه معناشناسی طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی

سارا حسنی^۱، یحیی معروف^۲ عبدالرضا نادری فر^۳ علی سلیمی^۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۴ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

عنصر عاطفه و احساسات زنانه، بخشی از مسئله پایداری و ساختارها و مناسبات درونی و بیرونی آن را قابل شناخت می‌سازد. شماری از نقش‌ها و دلالت‌هایی که ارتباط استوار میان پاکی حس زنانه و دنیای پرخشونت جنگ را باز سازی می‌کنند، از رهگذر این عامل، معناهای محتمل و گسترده‌ای را به این مفهوم ناب و پاک بشری می‌بخشند. این پژوهش، با کمک رهیافت‌های نشانه معناشناسی و روش توصیفی و تحلیلی متن، رمان الدوامه قمر کیلانی، بانوی ادبیات مقاومت سوریه را با موضوع عاطفه زنانه، مورد تحلیل قرار می‌دهد. افق این جستار محدود به بررسی نقش و جایگاه زنان سوری در رمان «الدوامه» بر اساس نشانه معناشناختی طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی است. هدف این پژوهش، بررسی شکل‌گیری، تولید و دریافت معنا در زمینه ادبیات پایداری زنان است. این گفتمان نشان می‌دهد که چگونه قمر کیلانی با استفاده از عاطفه زنانه‌اش و با تکیه بر واقعه تاریخی جنگ حزیران، به خلق معانی مقاومت‌گونه می‌پردازد و از کارکردهای معمول و شناخته شده فاصله می‌گیرد و مخاطب را با حوادث غیرمنتظره و ناگهانی مواجه می‌سازد. بر اساس اصول نشانه معناشناختی طرح‌واره گفتمان عاطفی، مهم‌ترین مضامین پایداری زنان در رمان مذکور، وطن‌پرستی، دعوت به مبارزه، ستایش شهادت و ترسیم اوضاع جنگ و... است.

کلمات کلیدی: نشانه معناشناسی، فونتنی، پایداری زنان، الدوامه، قمر کیلانی.

استناد: حسنی، سارا؛ معروف، یحیی؛ نادری فر، عبدالرضا؛ سلیمی، علی (۱۴۰۲). تحلیل نقش پایداری زنان در رمان الدوامه بر اساس نشانه معناشناسی طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره پنجاه و یکم، بهار ۱۴۰۲: ۴۷-۶۶.

DOI: 10.30479/lm.2022.16858.3367

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



۱. مقدمه

با توجه به نظریه پردازی‌های زیادی که در زمینه زبان‌شناسی و نقد متون ادبی در چند دهه اخیر صورت گرفته است؛ الگوی نشانه معنانشناسی، به عنوان یکی از شیوه‌های نقد ادبی نو، مطرح است. نظریه نشانه معنانشناسی که با بررسی‌های گریماس در فرانسه از نشانه‌شناسی سوسوری به وجود آمد، دیدگاهی جدید در بررسی متون کلاسیک و معاصر ادبی است و شایستگی آن را دارد که در بررسی متون به کار گرفته شود. عواطف و احساسات، شاخه‌ای از نشانه معنانشناسی است که چگونگی شکل‌گیری عواطف و روند آن را در گفتمان بررسی می‌کند. انتشار کتاب نشانه معنانشناسی عواطف، به قلم گرمس و فونتنی، تحوّل جدی در حوزه نشانه معنانشناسی عواطف ایجاد کرد. باید به این نکته توجه داشت که مطالعه جریان عاطفی گفتمان، به هیچ وجه مطالعه خصوصیات عاطفی و روانی موجود در گفتمان نیست؛ بلکه به معنای بررسی شرایط شکل‌گیری و تولید نظام عاطفی و چگونگی ایجاد معنا از طریق آن است؛ بنابراین، هنگام سخن از جریان عاطفی، وجود صرف چند واژه عاطفی به معنای نظام عاطفی گفتمان مدنظر نیست؛ بلکه هدف، جست‌وجوی راهبردهای ایجاد آن است؛ بنابراین در این صورت، دیگر نظام عاطفی در مقابل شناخت و منطق قرار نمی‌گیرد؛ بلکه عواطف در تقابل با کنش‌ها قرار می‌گیرد.

ادبیات پایداری محصول گفتمان‌هایی است که از زشتی‌های بیداد داخلی یا متجاوزان خارجی با زبانی هنرمندانه پرده برمی‌دارد. ادبیات مقاومت مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه تجهیزات نظامی قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است، اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد (توکلی و جعفری، ۱۳۹۵: ۵۵). در این میان، زنان به عنوان بخشی تأثیرگذار از جامعه بشری، گاه خود خالق بخشی از ادبیات پایداری بوده و گاه به واسطه الگو بودن خود، موضوع این آثار می‌شوند. علی‌رغم این نقش برجسته، کمتر اثری را می‌توان یافت که حضور زنان را در حوزه ادبیات پایداری، اعم از منظوم و منثور، مورد تحلیل قرار داده باشد.

در این جستار تلاش می‌شود بر مبنای نظریه معنانشناسی که فونتنی مطرح کرده و حمیدرضا شعیری آن را تحلیل و تشریح کرده است، طرح‌واره‌های عاطفی موجود در رمان پایداری «الدوامه» قمر کیلانی واکاوی شود و ظرفیت تطبیق این الگو بر این رمان مورد سنجش قرار گیرد.

این جستار با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد نشانه-معنانشناسی به بررسی طرح‌واره‌های دخیل در فرایند عاطفی گفتمان پایداری زنان سوری می‌پردازد؛ تا میزان تأثیرگذاری این گونه ادبیات بر عموم مخاطبین و به ویژه مردم سوریه را بررسی نماید؛ چرا که دنیای زنان، دنیایی سرشار از عاطفه است؛ این احساس و عاطفه با تلنگر یک جنگ، انقلاب، مقاومت، اعتراض یا انتفاضه به تلاطم درمی‌آید. قمر کیلانی، به عنوان یک نویسنده زن، به نقش‌آفرینی زنان در جبهه مقاومت سوریه توجه خاصی

نشان داده است و با بیان دلنشین و سرشار از عاطفه خود، سیمای زنان سوری را در جنگ حزیران، به صورت حماسی بیان می‌کند؛ بنابراین، با توجه به ضرورت بررسی مفهوم پایداری در ادبیات معاصر، تبیین جایگاه زنان و نقش انکارناپذیر آن‌ها در جریان مقاومت، با استفاده از نشانه معنانشناسی عنصر عاطفی زنانه، می‌تواند به راهگشایی مضمون‌های تازه پایداری کمک شایانی بنماید. براین اساس، این مقاله بر آن است تا سؤال‌های زیر را پاسخ دهد:

۱. طرح‌واره‌های پنج‌گانه عاطفی فونتنی در این رمان چگونه تعمیم یافته است؟

۲. این طرح‌واره‌ها چگونه مفهوم مقاومت را رقم می‌زنند؟

پاسخ به این سؤال‌ها در پژوهش پیش‌رو، با تکیه بر نشانه-معنانشناسی طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی قابل دسترسی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشی درباره قمر کیلانی و آثار او در کشور ما صورت نگرفته، اما در کشور سوریه موارد زیر مشاهده شده است:

دکتر علی قیم در کتاب «قمر کیلانی سِفَر براء و نقاء فجر» به معرفی کلی قمر کیلانی پرداخته و تنها اشاره مختصری به شخصیت اصلی رمان الدوامه -سامیه- کرده است. مجله «المعرفة» در کشور سوریه، در مقاله «القصة القصيرة عند قمر کیلانی» نوشته خلیل موسی، به معرفی داستان‌های کوتاه وی پرداخته است و مجله «جامعہ دمشق» در مقاله «المراة فی رواية قمر کیلانی» تألیف فادیه ملیح حلوانی، به بررسی نقش زنان در آثار مختلف کیلانی پرداخته است.

لازم به ذکر است تاکنون درباره رمان مذکور قمر کیلانی در زمینه نشانه معنانشناسی طرح‌واره‌های عاطفی زنان در ادبیات پایداری رمان الدوامه پژوهشی صورت نگرفته است؛ تحلیل این رمان با این رویکرد، پژوهشی جدید و بدون سابقه است؛ اما درباره نشانه معنانشناسی طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی پژوهش‌هایی انجام گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نشانه معنانشناسی دانشی نوین است که در ایران با آثار حمیدرضا شعبری شناخته شد. وی اختصاصاً در دو کتاب «مطالعة نشانه معنانشناختی زیبایی‌شناسی در گفتمان ادبی» (۱۳۸۹) و «نشانه معنانشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی...» (۱۳۹۵) به طرح‌واره عاطفی فونتنی اشاره نموده است.^۱ طحان زواره و خلیل‌اللهی، (۱۳۹۶)، در مقاله «نشانه معنانشناسی نظام‌های گفتمانی شوشی در لالایی لیلی اثر حسن بنی‌عامری» در بخش بعد عاطفی آن، به چگونگی ارتباط طرح‌واره‌های عاطفی فونتنی در تولید معنا در داستان لالایی لیلی می‌پردازد و نویسندگان نشان می‌دهند که داستان‌های کوتاه ایران تا چه حدی قابلیت تحلیل به وسیله نظام‌های گفتمانی را دارند. نورسیده و پوربایرام، (۱۴۰۰)، در مقاله «تحلیل نشانه-

معناشناسانه طرح‌واره عاطفی در گفتمان دو شعر در امواج سند و ابدالصبار» نشان می‌دهد که چگونه بر اساس طرح‌واره‌های عاطفی فوتنتی، دو شاعر با استفاده از پیشینه و آرشیو فرهنگی، ملی و بومی، به تولید معانی مقاومت‌محور می‌پردازند و از بافت‌های موجود و شناخته‌شده فاصله می‌گیرند و گفته‌یاب را با عناصر غیرمنتظره مواجه می‌سازند.^۲

۲. بحث و بررسی

۲-۱. از نشانه‌شناسی تا نشانه معناشناختی

هرچند پیشینه نشانه‌شناسی، به‌طور کلی، به یونان باستان، فیلسوفان و منطق‌دانان پیوند می‌خورد، اما بررسی نشانه‌ها به شکل جدید که موجب ایجاد علمی نو به نام «نشانه‌شناسی» گردید، به نظریات سوسور درباره زبان برمی‌گردد. زمانی که سوسور نطق آدمی را به زبان، گفتار و نشانه‌های زبانی را به دال و مدلول تقسیم کرد و تأکید کرد که باید این‌گونه نظرها به علمی نو در بررسی‌های زبانی بدل‌شود. از طرف دیگر، هم‌زمان با او، پیرس هم با بررسی‌های نشانه‌شناختی خود، به نشانه‌شناسی رنگ و بویی فلسفی و منطقی داد. مکاریک در این زمینه می‌گوید: «سوسور نشانه را پدیده‌ای دوسویه تعریف می‌کرد و آن را رابطه‌ای ساختاری بین دال و مدلول می‌انگاشت، اما پیرس دیدگاه دیگری را مطرح کرد. از نظر او، نشانه پدیده‌ای سه‌گانه بود. نشانه پیرس از رهگذر رابطه‌ای که با موضوع (چیزی که به آن دلالت می‌کند) و تعبیر خود را دارد (که تقریباً همان ایده‌ای است که نشانه تولید می‌کند)، ساخته می‌شود» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۲۹).

سپس نشانه‌شناسی با یلمسف، بنویست، امبرتو اکو و دیگران به تکامل خود ادامه داد؛ تا اینکه آلزیر داس گریماس، نشانه‌شناسی را به مسیری تازه و رو به رشد هدایت کرد. گریماس با ارائه الگوی زایشی مطالعه معنا، نظام نشانه معناشناسی را پایه‌گذاری کرد. این الگویی پویاست و چگونگی تجدید معنا را در کلام نشان می‌دهد. مترجم کتاب نقصان معنا، در مقدمه اثر گریماس می‌گوید:

«به‌طور کلی، سه سطح در مطالعات نشانه معناشناختی گریماس را در فرایند تولید و دریافت معنا می‌توان مشاهده کرد؛ سطح اول معنا را صورت‌های متعدد و نامحدود از نمایه‌های مشاهده‌پذیر می‌داند که عملیات گفتمانی، با استفاده از شگردهای خاصی که خود بسیار متنوع هستند، به آن‌ها نظم می‌بخشد و آن‌ها را ارائه می‌دهد. سطح بعدی، سطحی است که در آن ساختارهای گفتمانی در کنترل گفته‌پرداز قرار می‌گیرند و به همین دلیل، به نظام نحوی تقلیل می‌یابند که این امر منجر به شکل‌گیری دستور زبان روایی، با کارکردهای کنشی، تقابلی، القایی، ارجاعی و... می‌گردد. این سطح، همان چیزی است که با عنوان روساخت گفتمانی از آن یاد شده است و سطح بعدی ژرف‌ساخت گفتمانی را تشکیل می‌دهد؛ سطحی انتزاعی که آن را ساختارهای اولیه معنا نیز نامیده‌اند؛ چراکه این ساختارها مقدم بر عملیات نشانه‌ای یا گفتمانی هستند (گریماس، ۱۳۸۹: ۷-۶).

گریماس، در کتاب نقصان معنا، الگوی روایی و القایی را کنار می‌گذارد و از نشانه معناشناسی کلاسیک به نشانه معناشناسی شوشی و احساس‌مدار وارد می‌شود (ر.ک؛ همان: ۷). این حرکت گریماس نقطه عطفی در سیر تحول نشانه‌شناسی است؛ زیرا نشانه‌شناسی را از حالت روایی که طی فرایندی برنامه‌مدار به نتیجه مشخصی منتج می‌شد، خارج کرد و به آن حالتی احساسی، زیبایی‌شناختی و سیال داد (صفایی و خان‌بابازاده، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۲).

عواطف و احساسات، شاخه‌ای از نشانه معناشناسی است که چگونگی شکل‌گیری عواطف و روند آن را در گفتمان بررسی می‌کند. این رویکرد جدید، واکنشی به تقابل‌گرایی ساختاری است و به علت سیال‌بودن حواس و عواطف، با قطعی‌گرایی نیز فاصله دارد. انتشار کتاب نشانه معناشناسی عواطف، به قلم گرمس و فونتنی (۱۹۹۱)، تحول جدی در حوزه نشانه معناشناسی عواطف ایجاد کرد.

برای دست‌یافتن به چگونگی شکل‌گیری فرایند عاطفی گفتمان، شناختن رفتار مؤثر و تنش‌های عاطفی اهمیتی بسزا دارد: «افعال مؤثر افعالی است که خود به‌طور مستقیم باعث تحقق کنش نمی‌شود، اما بر گزاره یا فعل کنشی تأثیر می‌گذارد و سبب می‌شود تا عمل یا کنشی با زمینه تحقق خاصی انجام پذیرد» (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۲). «فاعل کنش‌گر، برای انجام‌دادن عمل خود باید به تمام افعال مؤثر یا تأثیرگذار مجهز باشد؛ این افعال عبارت است از «خواستن، بایستن، توانستن، دانستن» (عباسی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). تنش‌های عاطفی شامل گستره‌ها و فشارهای عاطفی می‌شود. این تنش‌ها، تا حد زیادی تحت تأثیر وضعیت گفتمانی قرار دارد. برای فرایند عاطفی گفتمان، باید رابطه تنش‌های عاطفی را با افعال مؤثر در نظر گرفت که از آن‌ها به‌عنوان سازه‌های عاطفی یاد می‌کنیم. «ژاک فونتنی معتقد است که طرح ساختمان بعد عاطفی کلام که سازماندهی فرایند عاطفی گفتمان را به عهده دارد، به اجتماع دو سطح عاطفی؛ یعنی سازه‌ها و تنش‌ها بستگی دارد. سازه‌های عاطفی که همان نشانه‌های فعلی مؤثر است، تعیین‌کننده هویت شوش‌گرهای عاطفی است و نمایه‌های تنشی که همان گستره‌ها یا فشارهای عاطفی است، آهنگ، نوا و نقطه اتکا در فرایند عاطفی را تعیین می‌کند (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۷۲)؛ لذا بر اساس نظریه فونتنی، مراحل فرایند عاطفی گفتمان را که هر متنی به شیوه خاص خود ارائه می‌کند، می‌توان به‌صورت ذیل نشان داد:

۱. بیداری عاطفی. ۲. آمادگی یا توانش عاطفی. ۳. هویت یا شوش عاطفی. ۴. هیجان عاطفی. ۵. ارزیابی عاطفی (فونتنی، ۱۹۹۸: ۱۲۲).

۲-۲. قمرکیلانی و رمان الدوامه

قمر کیلانی در سال ۱۹۳۲ م. در دمشق متولد شد. وی از نویسندگان و محققان بنام کشور سوریه است. وی از دانشکده ادبیات دانشگاه دمشق فارغ‌التحصیل و به آموزگاری در دوره دبیرستان مشغول شد. از جمله فعالیت‌های دیگر کیلانی، می‌توان به عضویت وی در کمیته اجرایی «اتحاد الكتاب العرب»، عضویت

در کمیته ملی یونسکو و ریاست بخش تحریر مجله «الآداب الاجنبیه» اشاره کرد. همچنین وی از فعالان در انجمن مبلغان «اتحاد العالم النسائي» و... است. قمر کیلانی در سال ۲۰۱۲ م. دار فانی را وداع گفت (نک: القيم، ۲۰۱۲: ۱۳-۱۱). برخی از آثارش به روسی، انگلیسی، فرانسوی و فارسی و... ترجمه شده است. ایام مغربیّه (۱۹۶۵)، امرأه من حزف (۱۹۸۰)، طائر النار (۱۹۸۱) و... از جمله آثار اوست. شایان ذکر است که حس وطن دوستی و توجه به مسائل زنان در آثار وی چشمگیر است (همان).

از جمله آثار و جلوه‌های مطرح کردن زنان برجسته در جامعه، پویا شدن قشر زنان و الگودهی به نسل جوان است. زنان شاخصی که مقاومت آنان در عرصه‌های مختلف، می‌تواند در خلق ادبیات فاخر مربوط به حوزه زنان نیز مؤثر باشد؛ امری که در جهان عرب کمتر با آن روبه‌رو هستیم. رمان الدوامه را می‌توان یکی از معدود آثار در حوزه مقاومت و زنان به شمار آورد. این کتاب یکی از صد رمان برتر جهان عرب است. اثر رمان گونه الدوامه، نوشته قمر کیلانی، نویسنده سوری، در سال ۱۹۸۳ م. در دمشق به چاپ رسیده و در ده فصل کوتاه تنظیم شده است. این کتاب، اثری در نوع خود کم‌نظیر است که نویسنده با گزینش سبک بینابین و استفاده از ظرفیت شرح حال نویسی و رمان، ترسیم شخصیت اصلی زن داستان را در اولویت قرار داده است. او با زبان ادبی رسالت نشر فرهنگ مقاومت را به دوش کشیده است. شخصیت اصلی این رمان، زنی به نام «سامیه» است. نویسنده، «سامیه» را به عنوان یک زن موفق و فعال در زمینه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی و حتی نظامی معرفی می‌کند. این کتاب در راستای معرفی زنان جهادگری نگاشته شده که مقاومت را یاری کرده و نقش بی‌بدیل زنان سوری را در رویارویی با اشغالگران به تصویر کشیده است. در این اثر، جنگ و ادب پایداری، به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سه فصل آخر رمان، جنگ حزیران را به تصویر کشیده است که کیلانی با احساسات و عواطف ظریف زنانه از آن سخن می‌گوید.

جنگ ژوئن (حزیران) سومین جنگ عرب‌ها و اسرائیل است. در این جنگ، اسرائیل از یک طرف و سه کشور عربی مصر و سوریه و اردن از سوی دیگر در برابر هم قرار گرفتند. جنگ با حمله پرحجم هوایی اسرائیل به قاهره، در صبح روز دوشنبه ۱۹۶۷/۶/۵ آغاز شد و سه کشور مصر و سوریه و اردن، یکی پس از دیگری سقوط کردند و در روز ۱۹۶۷/۶/۱۰ نیز جنگ خاتمه یافت. اسرائیل به اهداف سیاسی، نظامی و اقتصادی خود دست یافت و عرب‌ها متحمل خسارت سختی شدند (صفا تاج، ۱۳۸۲: ۳/ ۴۶۳-۴۵۳).

شکست عرب‌ها از اسرائیل در جنگ شش‌روزه، ضربه‌های سختی بر پیکره جهان عرب وارد کرد و آن را از خواب غفلت بیدار کرد. به دنبال این شکست، ادبیات نوین عرب متحول شد و ادبیات پایداری، صفحات بیشتری از آن را به خود اختصاص داد و رنگ دیگری به خود گرفت.

۲-۳. طرح‌واره فرایند عاطفی گفتمان

مطالعات گرمس و فونتنی نشان می‌دهد که گونه‌های عاطفی در گفتمان نظام‌مند بوده و به‌صورت فرآیندی عمل می‌کنند (فونتنی، ۱۹۹۹: ۷۸-۶۷). آنچه در این فرایند اهمیت دارد، حضور و نقش فعل‌های مؤثر است که یک نظام ارزشی را شکل می‌دهند و در چالش با یکدیگر، در ایجاد بار عاطفی مؤثر هستند. از نظر ژاک فونتنی، این افعال مؤثر در طرح‌واره فرایند عاطفی، سازه‌های عاطفی را می‌سازند که تعیین‌کننده هویت شوش‌گرهای عاطفی هستند (همان: ۷۸).

در مجموع، دنیای عاطفی، دنیایی است که در تقابل با منطق روایی قرار می‌گیرد. دنیایی که دیگر بر کنش استوار نیست و آنچه اساس این نظام را تشکیل می‌دهد، «شوش» است. شوش که از مصدر شدن مشتق شده، وضعیتی است که در آن، بدون اینکه برنامه و یا هدفی مطرح باشد، شوش‌گر می‌تواند هر لحظه متوجه حضور خود نسبت به دنیایی که در آن قرار دارد، شده و تحت تأثیر همین حضور، خود را مهبای دریافت خود و دیگری سازد. شوش را می‌توان مهبای شدن سوژه دانست (نورسیده و پوربایرام، ۱۴۰۰: ۱۷۵). دنیای عواطف، دنیایی است که ناپیوستگی را ترک گفته و با استمرار گره خورده است؛ بنابراین، می‌توان گفت کنش‌های جهان بر شوش‌گر تأثیر می‌گذارند؛ همان‌گونه که شوش‌ها بر کنش‌ها تأثیر می‌گذارند.

طبق طرح‌واره ژاک فونتنی، مراحل عاطفی گفتمان، از مراحل زیر تشکیل شده است: ۱. مرحله تحریک عاطفی. ۲. مرحله آمادگی یا توانش عاطفی. ۳. مرحله هویت یا شوش عاطفی. ۴. مرحله هیجان عاطفی. ۵. مرحله ارزیابی عاطفی (فونتنی، ۱۹۹۸: ۱۲۲). در اینجا می‌توان سازمان‌دهی فرایند عاطفی گفتمان قمر کیلانی را بر اساس این طرح‌واره بررسی کرد:

۱-۳-۲. مرحله تحریک عاطفی

انگیزش عاطفی نخستین مرحله فرایند عاطفی گفتمان است. بنا به گفته شعیری، «شوش یعنی تلاطم سوژه و احساس بیداری او نسبت به این تلاطم از درون» (شعیری، ۱۳۹۵: ۹۴). فرایند عاطفی نیز در قالب فرایندی شوشی تحقق می‌پذیرد. در گونه‌های عاطفی، شوشگر در مقابل یک «آن» گفتمانی قرار می‌گیرد که او را از درون متأثر می‌کند؛ در نتیجه، دچار حس خاصی می‌شود و حضوری عاطفی از نظر گستره‌ای و فشارهای در او شکل می‌گیرد. بدین‌سان، آهنگ و حرکت شوش‌گر تغییر می‌کند و تنش‌های عاطفی، از طریق آهنگ و موسیقی کلام بروز می‌یابد (همان، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

در این رمان، نظام عاطفی گفتمان، ابتدا با توصیف صحنه‌های هولناک جنگ حزیران شروع می‌شود؛ که می‌توان این بیداری یا تحریک عاطفی شوش‌گر را مقدمه کنش‌های سرنوشت‌ساز و حساس شوش‌گر عاطفی دانست. از رفتارهای غیرمعمول شهروندان و سراسیمگی آنان، خوف و وحشتی در درون سامیه -

نقش اول رمان- ایجاد می‌شود. گویا ریتمی کند و نفس گیر، به خاطر هجوم دشمن، در این گفتمان حاکم می‌شود: «تَلَمَّحُ فِي الطُّرُقَاتِ حَرَكَةً غَيْرَ اعْتِيَادِيَّةٍ، تُدِيرُ إِبْرَةَ الرَّادِيُو، الرَّادِيُو مُعْطَلٌ. النَّاسُ فِي هُجُومٍ عَلَى الْبِقَالِيَّاتِ وَ الْأَفْرَانِ بَيْنَمَا الْمَحَلَّاتُ التِّجَارِيَّةُ تَعْلَقُ. السَّيَّارَاتُ فِي إِزْدِحَامٍ وَارْتِبَاكِ وَكَأَنَّهَا كُلُّهَا تَخْرُجُ مِنَ الْعَاصِمَةِ. مَا الَّذِي يَجْرِي؟ تَلَامِيذُ الْمَدَارِسِ يَخْرُجُونَ جُمُوعاً مَذْعُورَةً كَعَصَافِيرٍ أَجْفَلَهَا صَيَادُونَ. تَحْتَ شَجَرَةٍ جُوزٍ تَقِفُ، قَلْبُهَا تَعْصُرُهُ يَدٌ مَجْهُولَةٌ. آيَةُ أَبْوَابٍ فَتَحَتْهَا عَلَى حَيَاتِهَا...» (کیلانی، ۱۹۸۳: ۲۵۳).

در واقع، آن لحظه که سامیه اضطراب و آشفتگی مردم سرزمینش را، به علت آگاهی از شروع جنگ می‌بیند (یعنی فعل مؤثر آگاهی‌یافتن)، اولین تکانه‌های عاطفی جسم شوش‌گر عاطفی «سامیه» آغاز می‌شود. بیداری عاطفی، حاصل آگاهی سامیه از شروع شدن و نزدیکتر شدن آغاز جنگ و حملات دشمن است. این بیداری و یا تحریک عاطفی، از طریق نگرانی و اضطرابی -که دل سامیه را در بر گرفته است- نمایان می‌شود. در نتیجه، عنصری که موجب بیداری عاطفی و تحریک شوش‌گر عاطفی شده، نظاره آشوب و سراسیمگی هم‌وطنشان، در اثر اعلام جنگی است که هر لحظه دامنه آن وسیع‌تر می‌شود و در دل شوش‌گر عاطفی، لرزه‌ای می‌افکند و مقدمات ورود به مرحله توانش را فراهم می‌کند: «طَائِرَاتٌ تَحُومُ فِي الْأَفْقِ، تَبْرُكُ وَرَاءَهَا خَيْطاً مَسْحُوباً مِنْ صَبَابٍ. طَائِرَاتٌ أُخْرَى ذَاتُ دَوِيٍّ مُرْعِبٍ تُثْرِقُ أُسْرَاباً بِلَمَحِ الْبَصَرِ، تَعْلُو... تَهْبُطُ... نَكَادُ تَلَامِيْسُ رُؤُوسَ الْأَشْجَارِ...» (همان: ۲۵۴).

در جای دیگر می‌بینیم که کیلانی چقدر زیبا توانسته با عواطف زنانه، وحشت سایه‌افکننده بر شهر را تصویرسازی کند. این حس اضطراب و تشویش و نظاره ویرانی و نابودی شهر توسط دشمنان، موجب بیداری عاطفی سامیه است: «الْمَدِينَةُ عَذْرَاءٌ مُجْفَلَةٌ مُهْدَدَةٌ بِالْأَغْتِصَابِ. النَّاسُ فِي اضْطِرَابٍ وَارْتِبَاكِ عَظِيمِينَ، أَمَا الشُّوَارِعُ فَشِبْهَ خَالِيَةٍ إِلَّا مِنْ سَيَّارَاتٍ عَسْكَرِيَّةٍ تُشَقُّهَا مُسْرِعَةٌ وَهِيَ تَحْفِرُ الْأَسْفَلَ بِوَحْشِيَّةٍ» (همان: ۲۷۲). همان‌طور که می‌بینیم، رد پای زنانگی را در عناصر واژگانی مقاومت این رمان هم می‌توان یافت. واژه‌هایی که چه در جای خود به کار روند و چه به‌عنوان سبمل و کنایه، یادآور زنانگی هستند. توصیف شهر مورد تجاوز به عذراء (دوشیزه) و مُهْدَدَةٌ بِالْأَغْتِصَابِ (تجاوز) واژگانی از این دست، در زمره این گروه قرار دارند؛ همچنین توصیف‌های مکرر و پی‌درپی احساس وحشت، ترس و اضطراب در این عبارت کیلانی، یادآور ادبیات زنانه است.

در نمونه دیگر، عامل تحریک عاطفی شوش‌گر رمان کیلانی، دیدن آثار قساوت دشمن در تخریب و ویرانی‌های شهرها و صدای تیراندازی‌های هراس‌انگیز حمله دشمن است و دیدن دختری کوچک و بی‌گناه است که توانایی حرف‌زدن را از دست داده و این شوک فراتر از توان تحملش است: «بَيْنَمَا تَرْجِعُ لَتَأْتِي بِهَا تَزَعُّقُ صَفَارَاتِ الْإِنْدَارِ، غَارَةً جَوِيَّةً لَيْلِيَّةً، وَالْمِدَافِعُ الْمَصَادَةُ الْمُرَكَّزَةُ فِي أَعْلَى قَاسِيَوْنَ تَبْدَأُ بِمُطَارَدَةِ طَيَارِ الْغَدُو. يَتَعَالَى بُكَاءُ أَطْفَالٍ، وَيَنْشُرُ الدُّعْرُ كَالْحَرِيقِ. سَكُنُ الْحَيِّ يَقْتَحِمُونَ بَيْتَهَا مِثْلَ رُوبَعَةٍ، يُحْطَمُونَ الْأَثَاثَ الْبَسِيطَ وَلَا يَرَاغُونَ حُرْمَةً لِأَيِّ سَيِّءٍ، وَالْمَسْكِينَةُ تَضْرِبُ كَفًّا بِكَفٍ وَالْدَّهْشَةُ عَقِدَتْ لِسَانَهَا» (همان: ۲۹۲).

نمونه دیگر: «تَرَى دَبَابَاتٍ مُّمَوَّهَةً بِأَوْرَاقِ الشَّجَرِ وَفُوهَاتٍ مَدَافِعَ وَتَبْدَأُ عَمَلِيَّةَ مُضَادَّةٍ. تَضَعُ سَامِيَةُ أَصَابِعَهَا فِي أَذُنِهَا. تَهْتَطِلُ دُمُوعُهَا رُغْمًا عَنْهَا، يُؤَلِّدُ حَرِيقٌ بَيْنَ الْبُيُوتِ الْقَرِيبَةِ تَحُسُّ النَّارَ تَحْرِقُ وَجَنَّتِيهَا وَخَذْيَهَا، يَهْرَعُ السُّكَّانُ مَا زَالَتْ الْمِدْفَعِيَّةُ تَقْدِفُ. يَهْرَعُونَ نِسَاءً وَأَطْفَالاً وَشَبَاباً» (همان: ۲۶۳).

همان‌طور که مشاهده شد، یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبیات پایداری، توصیف قساوت دشمن در تخریب و ویرانی‌هاست. تحقیقاً در ادب پایداری، استفاده از این موضوعات، هدفی جز تشویق به مقاومت و پایداری ندارد. قمر کیلانی نیز توسط سامیه به توصیف کشتار و ویرانی می‌پردازد. وی از لحن حماسی سود می‌برد؛ و با همین لحن حماسی، کنش‌های لازم را در احساس مردان و به‌ویژه زنان هم‌وطنش پدید می‌آورد. این لحن حماسی دعوت به مقاومت و همدردی است. بر اساس نمونه‌های فوق، در توضیح و توجیه این لحن حماسی، باید گفت نقش اول رمان -سامیه- از نزدیک شاهد مشکلات ناشی از جنگ و موشک‌باران‌های بسیار بوده است. مشاهده بی‌واسطه جنگ، موجب شده که این رمان از فضای رمانتیک و آرام دور باشد و با زبانی حماسی، واقعیت‌های بی‌رحمانه جنگ را به تصویر بکشد. کیلانی برای این کار واژه‌هایی را به کار می‌گیرد که خشن می‌نماید: (هجوم، ارتباك، اضطراب، مذعوره، طائرات، مرعب، صفارات الإنذار، غارة جوية ليلية، المدافع، بكاء أطفال، يهرع و...) همنشینی این واژگان، نوعی جوش و خروش و اعتراض را در ذهن تداعی می‌کند. این پویایی، علاوه بر حماسه‌ای درونی و شهودی، پایداری و مقاومت بیرونی و عینی را نیز بازتاب می‌دهد؛ همچنین زمان فعل‌های به‌کاررفته در این بخش رمان الدوامه، غالباً مضارع اخباری است. کاربرد این نوع فعل، انتقال مفهوم حماسی را تسهیل می‌کند (نک: شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۴۶۶)؛ برای نمونه: (تلمح، تدیر، تغلق، تحوم، تحفر، ترجع، تزعق و...).

بنابراین، بر اساس نمونه‌هایی که تعدادشان کم نیست، تنش و تحریک عاطفی، بی‌مقدمه در سامیه رخ نداده است؛ بلکه دیدن آشوب و سراسیمگی هم‌وطنانش در اثر اعلام شروع جنگ و نظاره صحنه‌های ویرانی و خشن جنگ، موجب ایجاد حس دردمندی و غمگینی در شوش‌گر رمان شده که مقدمه ورود وی به مرحله توانش عاطفی اوست.

۲-۳-۲. مرحله توانش عاطفی

مرحله بعد از تحریک عاطفی، مرحله توانش عاطفی است. یکی از ویژگی‌های نظام شوشی، نوع تغییری است که در درون سوژه رخ می‌دهد. شعیری نیز معتقد است «فرایند شوشی با دریافت‌های «آنی» که در آن دیدن و حس کردن بر دانستن و شناختن غلبه دارد، همسویی دارد» (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۷۳). این دریافت‌های لحظه‌ای و آنی، به شوش‌گر توانشی می‌بخشد که در قالب فعل‌های مؤثر نمود می‌یابد. این توانش، شوش‌گر را آماده می‌کند تا به هویت عاطفی جدیدی دست‌یابد.

در این مرحله، شوش‌گر عاطفی با هویت فعلی ظاهر می‌گردد. چنین هویتی می‌تواند سبب کشف ویژگی عاطفی خاصی برای او گردد. در این مرحله که توانش عاطفی نیز نامیده می‌شود، شوش‌گر آمادگی لازم برای کسب هویت عاطفی پیدا می‌کند (همان).

در رمان الدوامه، در جریان جنگ حزیران، ترسی که ناشی از درک خطر دشمن است، نوعی توانش عاطفی در سامیه شکل می‌دهد و او را برای کسب ویژگی‌های عاطفی؛ چون پایداری و مقاومت، شجاعت، خشم و خروش و... آماده می‌سازد. در واقع، هراسی که در درون سامیه به وجود آمده، همان «سازه فعلی مؤثر» است که با فعل «دانستن» و آگاهی او نسبت به هجوم دشمن همراه است. حاصل این توانش، آمادگی و کسب هویت‌هایی چون مبارز وطن‌دوست، زنی شجاع و تدبیرگر برای لحظات نفس‌گیر جنگ است که شجاعانه با نثار هر آنچه دارد، در راه وطن گام برمی‌دارد: «لِتَذْهَبْ إِلَى بَاسِيلَ فِي الْجَرِيدَةِ. لَتُعْرِضَ عَلَيْهِمْ خَدَمَاتِهَا. لَا تَدْرِي بِالصَّبْرِ مَاذَا يُمَكِّنُ أَنْ تُقَدِّمَ. لَتَحَاوِرِ النَّاسَ وَتُعَبِّئِ قَوَاهِمَ وَتَرْصَهُمْ صَخْرَةً وَاحِدَةً تُسَدُّ طَرِيقَ الْعَدُوِّ. وَلَقَلَّ قَلَمُهَا الَّذِي جَفَّ يُمْكِنُ أَنْ يَشْرَبَ مِنْ نُسْغِ أَعْصَابِهَا فَتَكْتُبَ وَتَكْتُبَ... أَلَيْسَ مِنْ شِعَارَاتِهِمْ أَنَّ الْكَلِمَةَ هِيَ رِصَاصَةٌ؟ لَا... بَلْ تَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَشْفَى... تَتَلَقَّى الْجَرْحَى... تُسَعِّفُ الْمَرْضَى... وَبِرْدَاءِ حَنَانِهَا تَمْسَحُ الْجَرْحَ... مُهِمَّةٌ رَصَدُوهَا لِلْمَرْأَةِ مِنْذُ أَقْدَمَ» (کیلانی، ۱۹۸۳: ۲۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آگاهی سامیه از وقوع جنگ، موجب تفکر و تدابیر وی در راه پاسداری از وطنش می‌گردد. حضور در دفتر روزنامه، گفت‌وگو با هم‌وطنانش، نوشتن و آگاه‌کردن مردم و در نهایت خدمت‌رسانی در بیمارستان، توانش عاطفه‌ای را در وی رقم می‌زند تا او را آماده مقابله برای حوادث جان‌گداز سازد که در قالب سازه‌های فعلی مؤثری چون «اندیشیدن، توانستن و خواستن» دریافت می‌شود؛ بنابراین، بیداری عاطفی، توانش حضور وی، به‌عنوان یک زن فرهیخته، در عرصه‌های مختلف مقاومت را ایجاد می‌کند.

در نمونه دیگر، توانش عاطفی خود را با مفهوم قربانی‌شدن در راه وطن نشان می‌دهد: «الْحَرْبُ هِيَ النَّارُ الَّتِي تُصْهَرُ وَنَحْنُ بِحَاجَةٍ لِأَنْ نَصْهَرَ» (همان: ۲۵۴).

۳-۲-۳. مرحله هویت یا شوش عاطفی

این مرحله که از مراحل اصلی فرایند عاطفی به شمار می‌رود، همانند محور اصلی عمل می‌کند و نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی بر عهده دارد. در این مرحله تغییر رخ می‌دهد و شوش‌گر هویت عاطفی خاصی را از خود بروز می‌دهد؛ یعنی همه تخیلات، تصورات، پندارها و تردیدهای شوش‌گر پاسخی قطعی می‌یابند و نتیجه آن، تحقق حالت عاطفی مشخصی است. در این مرحله، شوش‌گر، با هویت مشخصی که می‌توانیم نامی نیز بر آن بگذاریم، حضور می‌یابد (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۷۵-۱۷۴).

در رمان الدوامه، هویت عاطفی، پس از تفکر و تدبیر حول اقدامات مقتضی جنگ، در سامیه تثبیت می‌شود و در اینجاست که شوش‌گر به هویت خود که عشق‌ورزی و جان‌فشانی در راه وطن است، دست می‌یابد: «الْمُهْمُ أَنْ يُسَلِّمَ الْوَطَنَ. تَمَنَّى لَوْ أَنَّهَا طَائِرُ رُخٍّ هَائِلٍ أُسْطُورِيٍّ لَتَفَرَّدَ جَنَاحُهَا فَوْقَ الْمَدِينَةِ... تَحْمِيهَا...» (کیلانی، ۱۹۸۳: ۲۷۲).

همان‌طور که می‌بینیم، در شوش‌گر -سامیه- وطن‌خواهی و پاسداری از حریم سرزمینش تثبیت شده است. در نمونه دیگر، شاهد آن هستیم که سامیه، به‌عنوان زن تحصیل‌کرده و فرهیخته، در راستای تثبیت هویت وطن‌پرستی‌اش، از قدرت کلامش استفاده کرده و خواهان بازگرداندن آرامش به هم‌وطنانش است: «بَدَأَ جَوْلَتَهَا الْأُولَى فِي أَحْيَاءِ دِمَشَقَ الْعَتِيقَةِ. تَغْلُغُلُ فِي أَغْصَابِ الْمَدِينَةِ. وَفِي الْعُمُقِ مِنْهَا... لِتَتْرَكَ لَهُمْ عَلَى الْأَقْلِ إِيْمَانَهُمْ بِالنَّصْرِ... وَبِعَظَمَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ... تَتَكَلَّمُ وَتَتَكَلَّمُ» (همان: ۲۷۴).

و یا در نمونه دیگر، برای کمک به آسیب‌دیدگان جنگ وارد عمل می‌شود: «و تَطِيرُ بِه سِيَارَتُهَا إِلَى مُسْتَشْفَى حَرَسَاتٍ تَجِدُ عَشْرَاتِ الْجَرْحَى...» (همان: ۲۶۵-۲۶۴).

سامیه، به‌عنوان شوش‌گر عاطفی، در گذار از هر مرحله‌ای از وقایع و در مواجهه با توانش‌های متفاوت، شوشی یکسان می‌یابد که همان ازخودگذشتگی و مقاومت است. در واقع، شوش‌گر بیمناک و متأثر از جنگ، به شوش‌گری مطمئن تبدیل شده و این شوش جدید باعث ایجاد کنش می‌شود که همانا عزم راسخ او در مقاومت و پاسداری از وطن و ترمیم آسیب‌دیدگان جسمی و روحی جنگ‌زدگان است. در یک جا هویت وطن‌خواهی و در دیگر موقعیت، با سلاح قلم و گفتمان و در دیگری، با حضور در بیمارستان‌ها، ثبات هویت خود را به نمایش می‌گذارد.

۴-۳-۲. مرحله هیجان عاطفی

شعیری معتقد است «هیجان به رعدوبرقی می‌ماند که در یک لحظه تولید می‌گردد. پس ضرب‌آهنگ آن سریع و برق‌آسا است» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۹۵). بعد از تغییر وضعیت هویت عاطفی، هیجانات عاطفی پیش می‌آید که حالت فیزیکی دارد؛ مانند لرزیدن، ضعف جسمی و... که شوش‌گر از خود نشان می‌دهد (همان، ۱۳۸۹: ۱۷۹). در رمان الدوامه، با شدت گرفتن هیجان عاطفی، تنش به جسم شوش‌گر می‌رسد.

قمر کیلانی، پس از تثبیت هویت مقاومت، وطن‌پرستی، برای قهرمان رمانش، این هویت را در جسم او بروز می‌دهد: «كَأَنَّ يَدًا تَطْبُقُ عَلَى عُنُقِهَا... وَأَنَّهَا تُرِيدُ أَنْ تَبْكِي... تُسِنِدُ رَأْسَهَا إِلَى الشَّجَرَةِ وَتَغْرُقُ فِي دَمْعَةٍ كَبِيرَةٍ...» (کیلانی، ۱۹۸۳: ۲۵۴). عبارات بالا بیانگر هیجانات مختلفی است که در جسم شوش‌گر ظاهر شده است؛ احساساتی چون گریه‌کردن، درماندگی، ضعف ناشی از هجوم دشمن که همه نشانه‌هایی فیزیکی هستند و در جسم شوش‌گر بروز یافته‌اند.

در نمونه دیگر نیز آشوب جنگ منجر به حس سرگشتگی و درماندگی سامیه و چشمانی گریه‌آلود و غلیان احساس می‌شود: «تَقِفْ مَذْهُولَةً، عَاجِزَةً، الدَّمْعُ جَمْدٌ فِي عَيْنَيْهَا... مُسْتَعِدَّةٌ أَنْ تُضْمَدَ هَذِهِ الْجُرُوحُ، أَنْ تَمْسَحَ الدِّمَاءَ...» (همان: ۲۶۵).

همچنین شوش‌گر با احساسات زنانه در لحظات نفس‌گیر جنگ، آشفتگی جسمی‌اش را بیان کرده و اینکه چگونه تعادل دمای بدنش به هم ریخته و در آن واحد سرد و گرم را حس می‌کند: «لَحْظَاتٌ مِثْلُ دَهْرٍ... تُسَاوِي الْعُمَرَ... تَحْسُ بِحَرَارَةٍ وَبُرُودَةٍ بَانَ مَعًا...» (همان: ۲۶۲).

یا در نمونه دیگر، این هیجان عاطفی در قالب جملات عاشقانه نسبت به وطنش بروز می‌یابد: «الْوَطَنُ الْوَطَنُ... أَتَيْهَا الْمَقْدَسُ فِي الْقَلْبِ...» (همان: ۲۵۹).

اوج بروز این هیجان عاطفی در جسم شوش‌گر، سرگیجه وی در اثر شنیدن خبر سقوط شهر رخ می‌دهد. سامیه وقتی این خبر را از رادیو می‌شنود، شوک شده و در اثر آن دچار سرگیجه می‌شود و از پلکان خانه سقوط می‌کند و حافظه‌اش را برای مدتی از دست می‌دهد: «الْيَوْمُ التَّاسِعُ أَيْضًا... السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ... سَقَطْتُ مَدِينَةَ الْحُدُودِ فِي يَدِ الْعُدُوِّ... وَتَسْقُطُ سَامِيَةَ» (همان: ۳۲۹).

باید گفت که هر هویت و شوش کسب‌شده، با خود نمایه‌ای به همراه دارد؛ به این معنی که هر حس شدن با بروز جسمی در شوش‌گران همراه خواهد بود. در رمان الدوامه شوش مبارز کردن و پایداری تا آخرین دم با نمایه‌های عاطفی زنانه‌ای؛ چون گریستن، حیرت و سرگشتگی و عدم تعادل جسمانی و سرگیجه همراه است. در واقع، این نمایه‌های جسمی، دال‌هایی هستند که ما را با مدلولی واحد؛ یعنی ایستادگی، مواجه می‌سازد. در واقع، جسم سامیه محملی برای نشان‌دادن احساس عشق او نسبت به وطن می‌شود.

۵-۳-۲. مرحله ارزیابی عاطفی

این مرحله که آخرین مرحله فرایند عاطفی به شمار می‌رود، به ارزیابی و قضاوت در مورد فرایند موردنظر می‌پردازد. ارزیابی عاطفی توسط مخاطب، بیننده یا جامعه‌ای انجام می‌پذیرد که با رفتاری عاطفی روبه‌رو شده است؛ به این ترتیب، راهی است برای راهیابی دوباره شوش‌گر عاطفی به میان افراد جامعه و همین امر است که احتمالاً سبب تعدیل رفتارهای عاطفی و تنظیم چگونگی تبادل این رفتارها در سطح اجتماعی می‌گردد. قضاوت و ارزیابی مثبت به نمایه عاطفی، موجب تثبیت و استمرار آن و قضاوت و ارزیابی منفی نسبت به نمایه عاطفی، سبب تعدیل یا حذف آن می‌گردد؛ به این ترتیب، می‌توان به نوعی منطق یا تعادل عاطفی دست‌یافت (شعیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷-۱۷۶).

بر این اساس، غالباً مفهومی که مخالف با سازه‌های پذیرفته‌شده از سوی جامعه باشد، از طرف مخاطب و بیننده طرد می‌شود. عکس این مطلب نیز صادق است؛ چنانچه مفهومی همسو با مفاهیم مقبول و پسندیده

در نظر عموم باشد و در راستای آن سیر کند، مورد استقبال مخاطبین قرار می‌گیرد. در این رمان، نویسنده از مفاهیمی چون پایداری و ازخودگذشتگی و تحمل مصائب در راه وطن سخن می‌گوید و مدافع گونه‌ارزشی می‌شود که مورد تأیید اجتماع است؛ پس نویسنده مدافع سازه‌های پذیرفته‌شده و حاکم بر جامعه می‌شود، اما اگر عکس این مطلب را؛ یعنی گریختن، ترک وطن و تسلیم شدن در مقابل بیگانگان می‌گفتند، در جهت مخالف با مقبولیات حاکم بر اجتماع، دین، سیاست و گونه‌ارزشی حاکم قدم برمی‌داشتند که قطعاً با طرد و حتی نفرت مخاطبان مواجه می‌شدند.

نکته قابل تأمل در مورد این رمان، جنگ حزیران است که شکست سنگینی را بر اعراب متحمل کرد؛ در نتیجه در ارزیابی عاطفی این رمان می‌توان گفت قهرمان فرهیخته رمان، شکست سیاه حزیران را پذیرفته و آن را نیز با احساسات ظریف زنانه به تصویر کشیده است؛ اما این پذیرش مانعی برای روشنگری و امتداد پایداری و مقاومت مردم و بالأخص زنان سرزمینش نیست. سامیه، شوش‌گر رمان، نگران تخریب‌های برجای‌مانده از جنگ و بازسازی وطنش پس از خرابی‌های حاصل از آن است و یاری کردن خانواده‌های شهدا و خدمت‌رسانی در بیمارستان‌ها را کافی نمی‌داند؛ بلکه وی با طرح پرسش‌های زیر می‌خواهد مردم را به استواری در ادامه مبارزه علیه دشمن دعوت کند و معتقد است که ما برای مواجهه با شرایط بحران نیازمند مدل مدیریتی هستیم که در این راستا و بر اساس این روش‌ها و شیوه‌های مدیریتی مردم باید تمرین و آموزش ببینند: «كَمْ يَحْتَاجُونَ مِنْ زَمَنِ لِصَلَاحِهَا، لِإِعَادَةِ الْبَنَاءِ مِنْ جَدِيدٍ. وَهِيَ بِالذَّاتِ، مَا دُوْرَهَا؟ هَلْ يَكْفِي أَنْ هَا تُقَدَّمْ خَدَمَاتٌ فِي مُسْتَشْفَى أَوْ مُسَاعَدَةٌ لِأَسْرِ الشُّهَدَاءِ؟ هَلْ يَكْفِي أَنْ هَا تُبْعِثُ عَوَاطِفَهَا، لِأَبَدٍ أَنْ يَكُونَ لَهَا دُوْرُهَا الثَّابِتُ وَالْوَاضِحُ لِيَتَعَمَلَ مِنْ خِلَالِهَا» (کیلانی، ۱۹۸۳: ۲۸۳-۲۸۲).

در جایی دیگر می‌بینیم که به‌صراحت از خلأ الگوی مدیریتی در زمان بحران سخن می‌گوید و از اینکه مسئولان تا پیش از جنگ برای آن هیچ برنامه‌ای پیش‌بینی نکرده، انتقاد می‌کند: «لَمَّاذَا لَمْ تَكُنْ تُفَكِّرْ بِكُلِّ هَذِهِ الْأُمُورِ قَبْلَ الْآنَ» (همان: ۲۹۴).

در نهایت، قضاوت و ارزیابی در این رمان، باعث می‌شود که مخاطبان بین دو پدیده مبارز شدن و به رنج افتادن و در مقابل بی‌تفاوتی در مقابل هجوم دشمن و ترک کشور و در رنج نیفتادن، یکی را انتخاب کنند. در واقع، قمر کیلانی دال‌ها را طوری کنار هم چیده که خوانندگان با درک ذلت‌پذیری و تسلیم‌شدن، مقاومت و ظلم‌ستیزی و حس وطن‌خواهی و دوستی را انتخاب کنند. در واقع، تمام مراحل طی‌شده در طرح‌واره عاطفی گفتمان، در خدمت انتقال مفهوم دفاع و پایداری است. پیش از این بیان کردیم، گفتمانی موفق خواهد بود که بتواند از تأثیرگذارترین دال‌ها در راستای اهدافش استفاده کند و معنایی همسو با آن تولید کند.

نتیجه

بر اساس بررسی تحلیل نشانه معناساختی گفتمان پایداری زنان در رمان الدوامه، بر اساس نظریه طرح‌واره عاطفی فونتتی، به سؤال پژوهش این‌گونه پاسخ داده می‌شود:

بررسی گونه زنانه ادب پایداری، در قالب الگوی نشانه معناسازی - طرح‌واره‌های فونتتی، نشانگر تحقق جریان عاطفی است. این رمان در یک فضای عاطفی، احساسات و عواطف ساده و حماسی زنان را نسبت به مفهوم مقاومت و جنگ سیاه حزیران به‌خوبی توصیف و ترسیم کرده است. تحلیل نشانه معناساختی گفتمان پایداری زنان در رمان الدوامه نشان می‌دهد، نظریه طرح‌واره عاطفی فونتتی برای تحلیل این پدیده زبانی کارآمد است و از مطالعه این رمان بر اساس نظریه مذکور، چنین استنباط می‌شود:

در این رمان، سامیه، شوش‌گر است. وی سمبل زنان فرهیخته و باسواد سوری، در جریان جنگ حزیران است. قمر کیلانی با خلق شخصیت سامیه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در اوج یک شکست به مفهوم برتر؛ یعنی ایستادگی و پایداری دست‌یافت.

در مرحله اول تحقق این طرح‌واره، تنش و تحریک عاطفی، بی‌مقدمه در سامیه رخ نداده است؛ بلکه دیدن آشوب و سراسیمگی هم‌وطنانش در اثر اعلام شروع جنگ و نظاره صحنه‌های ویرانی و خشن جنگ، موجب شکل‌گیری حس دردمندی و غمگینی در شوش‌گر رمان شده که مقدمه ورود وی به مرحله توانش عاطفی اوست.

در مرحله دوم طرح‌واره؛ آگاهی به وجود دشمن و در خطر بودن سرزمین، پس از تحریک و بیداری‌سازی عواطف در رمان مذکور، توانشی در شوش‌گر پدید می‌آورد که او را آماده کسب هویت دشمن‌ستیزی و مقاومت می‌کند.

در مرحله سوم طرح‌واره، شوش‌گر بیمناک و متأثر از جنگ، به شوش‌گری مطمئن تبدیل شده و این شوش جدید، باعث ایجاد کنش می‌شود که همانا عزم راسخ او در مقاومت و پاسداری از وطن و ترمیم آسیب‌دیدگان جسمی و روحی جنگ‌زدگان است. در یک جا هویت وطن‌پرستی و در دیگر موقعیت، با سلاح قلم و گفتمان و در دیگری با حضور در بیمارستان‌ها، ثبات هویت خود را به نمایش می‌گذارد. در گام بعدی؛ این حضور عاطفی با فعالیت‌های جسمانی‌ای همراه می‌شود که اوج این هیجان عاطفی، در سقوط وی از پلکان بر اثر سرگیجه در پی اطلاع وی از سقوط شهر رقم می‌خورد.

در مرحله آخر، در ارزیابی عاطفی این رمان، می‌توان گفت که این پدیده زبانی، از توانش ارتباطی مناسبی برخوردار است و برای دیگر زمانه‌ها نیز دارای معنا و ارزش می‌باشد؛ به این معنا که در هر زمان و هر جغرافیا، خوانندگان با درک ذلت‌پذیری و تسلیم‌شدن، مقاومت و ظلم‌ستیزی و حس وطن‌خواهی و دوستی را انتخاب کنند.

بنابراین، تمام مراحل طی شده در طرح‌واره عاطفی گفتمان، در خدمت انتقال مفهوم دفاع و پایداری است. گفته‌پردازان از ابزارهای گوناگون استفاده کردند تا گونه ارزشی که مدافع آن هستند و سینه‌به‌سینه به آنان منتقل شده را به نسل آتی، در مجرای گفتمان عاطفی، به مخاطبان‌شان به‌طور غیرمستقیم القا سازند. این مفهوم حاکم بر فرهنگ و باور جامعه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اما درباره نشانه معناشناسی، گفتن این نکته خالی از لطف نخواهد بود؛ شعیری، نخستین بار در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان» (۱۳۸۵)، فرایند تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان را از دیدگاه حسی ادراکی، زیباشناسی و... با ارائه نمونه‌هایی کوتاه تشریح نموده است. وی همچنین با چندین مقاله، از قبیل «مبانی نظری تحلیل گفتمان» (۱۳۸۸)؛ «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه معناشناسی» (۱۳۸۶)؛ «روش مطالعه گفته‌ای و گفتمانی در حوزه نشانه معناشناسی» (۱۳۸۷) به نشانه معناشناسی اشاره نموده است.
۲. برای اطلاع و شناخت بیشتر، به این مقالات رجوع شود: (نک: آیتی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱؛ صفایی و خان‌بابازاده، ۱۳۹۷: ۶۷-۴۹؛ زیرک و کاشانی، ۱۳۹۹: ۱۰۰۱-۹۷۸؛ میرحسینی و کنعانی، ۱۳۹۷: ۱۹۹-۱۷۱؛ برامکی و فلاح، ۱۳۹۲: ۶۶-۴۵).

منابع

منابع عربی

- حلوانی، فادیه الملیح. (۲۰۰۵ م). «المرأة في رواية قمر كيلاني»؛ مجلة جامعة دمشق، المجلد ۲۱، ص ۴۱- ص ۷۳.
- القيم، علی. (۲۰۱۲ م). قمر کیلانی سفر براءة ونقاء فجر، دمشق: وزارة الثقافة الهيئة العامة السورية للكتاب.
- کیلانی، قمر، (۱۹۸۳ م). الدوامه؛ دمشق: وزارة الثقافة والارشاد القومي.
- موسی، خلیل، (۲۰۱۳ م)، «القصة القصيرة، عند قمر کیلانی»، مجلة المعرفة، العدد ۵۹۴. السنة ۵۲. ص ۱۵- ص ۲۸.

منابع فارسی

- توکلی، محمودرضا. محمد جعفری. (۱۳۹۵). «مضامین پایداری در اشعار قیصر امین‌پور و توفیق امین زیاد»؛ پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، دوره ۲. شماره ۶. صص ۷۲-۵۳.
- جلالی طحان‌زواره، زهرا. شهلا خلیل‌اللهی. (۱۳۹۶). «نشانه معناشناسی نظام‌های گفتمانی شوشی در لالایی لیلی اثر حسن بنی‌عامری»؛ دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس، دانشگاه شاهد، دوره ۱. شماره ۱. صص ۲۶-۱۵.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). نشانه معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- _____ (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل نشانه‌شناختی معناشناختی گفتمان؛ ج ۲، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۱). مبانی معناشناسی نوین؛ تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۸). «مبانی نظری تحلیل گفتمان»؛ پژوهشنامه فرهنگستان هنر، جلد ۱۲، شماره ۲. ص ۷۲-۵۴.
- _____ (۱۳۸۶)، «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه‌شناختی»؛ مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران، جلد ۱. صص ۱۱۹-۱۰۶.
- _____ (۱۳۸۹). «مطالعه نشانه معناشناختی زیبایی‌شناسی در گفتمان ادبی»؛ مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌های فرهنگستان هنر، مجموعه مقالات نخستین و دومین هم‌اندیشی زبان‌شناسی و مطالعات بینارشته‌ای ادبیات و هنر، ش ۱۷. صص ۱۴۶-۱۲۹.
- _____ (۱۳۸۷). «روش مطالعه گفته‌ای و گفتمانی در حوزه نشانه‌شناسی»؛ مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌های فرهنگستان هنر، مقالات سومین هم‌اندیشی هنر، صص ۱۳۳-۱۱۵.
- شفیع‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی؛ چاپ ششم، تهران: آگاه.
- صفا تاج، مجید. (۱۳۸۲). دانشنامه فلسطین؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صفایی، علی. کیومرث خان‌بابازاده. (۱۳۹۷). «بررسی نشانه‌شناسی اشعار نزار قبانی»؛ پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، سال ۴. شماره ۱۳. صص ۶۷-۴۹.
- عباسی، علی. (۱۳۸۳). «کارکرد روایی معنایی نشانه‌ها در تابلوی قربانی کردن حضرت ابراهیم»؛ اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر، صص ۲۲۶-۲۰۵.
- گرماس، آلزیر داس ژولین. (۱۳۸۹). نقصان معنا؛ ترجمه و شرح: حمیدرضا شعیری، تهران: نشر علم.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۹۰). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر؛ ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- نورسیده، علی‌اکبر. رقیه پوریایرام. (۱۴۰۰). «تحلیل نشانه معناشناسانه طرح‌واره عاطفی در گفتمان دو شعر ابدالصبارو در امواج سند»، فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، دوره ۲۵. شماره ۸۹. صص ۱۸۹-۱۶۷.

لاتین

- Fontanille, J. (1998). Semiotique du discours, Limoge: PULIM
- =====. (1999). Sémiotique et littérature. Essais de méthode, Paris:PUF.

References Arabic

-Helvani, Fadiyya Al-Molih. (2005 AD). "Al-Marah in Qamar Kilani's novel"; Damascus University Magazine, volume 21, p. 41- p. 73.

-Al Qaim, Ali. (2012 AD). Qamar Kilani Safar Bara' and Purification of Fajr, Damascus: Ministry of Culture, Al-Haiyat Al-Aaa'e Al-Syria for Books.

-Kilani, Qamar, (1983). Al-Dawama; Damascus: Ministry of Culture and National Guidance.

-Musa, Khalil, (2013 AD), "The short story, by Qamar Kilani", Magazine Al-Merfafa, No. 594. Sunnah 52. P. 15- P. 28.

Persian

-Tavakoli, Mahmoudreza. Mohammad Jafari (2015). "Sustainability Themes in the Poems of Qaiser Aminpour and Tawfiq Amin Ziyad"; Comparative researches on the language and literature of nations, volume 2, number 6, pp. 53-72.

-Jalali Tahan Zavareh, Zahra. Shahla Khalilullahi. (2016). "The Semantic Sign of Shawshi's Discourse Systems in Lalai Laili by Hasan Bani-Amari"; Two Quarterly Journals of Sacred Defense Literature, Shahid University, Volume 1. No. 1. pp. 15- 26.

-Shayiri, Hamidreza. (2015). Semantics of literature: theory and method of literary discourse analysis; Tehran: Tarbiat Modares University.

-.....(1389). semiotic and semantic analysis of the discourse; Ch2, Tehran: Samt.

-.....(1381). Basics of new semantics; Tehran: Side.

-.....(1388). Theoretical foundations of discourse analysis"; Art Academy Research Journal, Volume 12, Number 2. Pages 54- 72.

-..... (2016). Investigation of various types of discourse systems from the point of view of semantic signs"; Proceedings of the 7th Iranian Linguistic Conference, Volume 1. pp. 106- 119.

-..... (1389). Study of the semantic sign of aesthetics in literary discourse"; The collection of articles of the art academy's consensus, the first and second collection of articles of the linguistics and interdisciplinary studies of literature and art, No. 17. pp. 146- 129.

..... (1387). (Speech and discourse study method in the field of semiotics"; The collection of articles of the Art Academy's consensus, articles of the third consensus of art, pp. 115- 133.

-Safa Taj, Majid. (1382). Encyclopedia of Palestine; Tehran: Farhang Islamic Publishing House.

-Safai, Ali. Kiyomarth Khan Babazadeh. (2017). "Examining the semantic signs of Nizar Qabbani's poems"; Comparative researches on language and literature of nations, year 4. No. 13. pp. 49- 67.

-Abbasi, Ali. (1383). "Semantic narrative function of signs in the painting of the sacrifice of Hazrat Ibrahim"; The first synopsis of art semiotics, Tehran: Art Academy, pp. 205- 226.

-Germas, Algiers das Julien. (1389). lack of meaning; Translation and explanation: Hamidreza Shoyiri, Tehran: Nashralam.

-Makarik, Irena Rima. (1390). Encyclopedia of contemporary literary theories; Translation: Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, 4th edition, Tehran: Age Publishing.

-Nursideh, Ali Akbar. Ruqiya Purbairam. (1400). "Analysis of the semantic sign of the emotional schema in the discourse of two poems by Abd al-Subbaru in Amwaj Sindh", Literary Text Quarterly, Volume 25, Number 89, pp. 167- 189.

Latin

- Fontanille, J. (1998). Semiotique du discours, Limoge: PULIM

- ==. (1999). Sémiotique et littérature. Essais de méthode, Paris:PUF.

تحليل دور مقاومة المرأة في رواية الدوامه بناء على علامة الدلالية مخططات فونتين العاطفية

سارا حسني^١، يحيى معروف^٢، عبدالرضا نادريفر^٣، علي سليمي^٤

^١ طالبة دكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٢ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٣ أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

^٤ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٠٠/١١/١١

تاريخ القبول:

١٤٠١/٠٧/١٩

إن عنصر العاطفة والمشاعر الأنثوية تُكوّن جزءاً من قضية المقاومة والأساسيات وعلاقاتها الداخلية والخارجية. هناك بعض الأدوار والمؤشرات التي تُبيّن العلاقة الوثيقة بين براءة الحس الأنثوي وعالم مليء بالعنف وخشونة الحرب. من خلال هذا العامل، تقدّم مجموعة واسعة من المعاني المحتملة لهذا المفهوم البشري النقي الصادق. تتطرق هذه الدراسة إلى رواية قمر الكيلاني سيدة أدب المقاومة السوري حول موضوع العاطفة الأنثوية، معتمداً على المنهجين: السيميائي والوصفي التحليلي. يقتصر نطاق هذا المقال على دراسة دور ومكانة المرأة السورية في رواية "الدوامه" بناءً على أسلوب ونمط لمخططات فونتين العاطفية. الغرض من هذه الدراسة هو التحقيق في تكوين وإنتاج إدراك المعنى في مجال أدب المقاومة والصمود للمرأة. يظهر هذا الخطاب أن قمر الكيلاني، كيف تنتج معاني المقاومة باستخدام مشاعرها الأنثوية والاعتماد على الحدث التاريخي لحرب يونيو/ حزيران وكيف تتبعد بنفسها عن السياقات القائمة والمعروفة بحيث تفاجئ عناصر غير متوقعة. حسب نظام القيم المذكور في آليات الإنتاج في مخطط الخطاب العاطفي، فإن أهم محاور مقاومة المرأة في الرواية المذكورة هي حب الوطن، والدعوة إلى النضال، وتكريم الاستشهاد، ورسم حالة الحرب، إلخ. ويهدف هذا المخطط إلى ترسيخ القيم العليا التي تحكم على المجتمع وكذلك مدح المقاومة والحرية وتهميش المفاهيم الأخرى.

الكلمات المفتاحية: علامة الدلالية، فونتين، مقاومة المرأة، الدوامه، قمر الكيلاني.

الاقتراس: حسني، سارا. معروف، يحيى. نادريفر، عبدالرضا. سليمي، علي (١٤٠٢). تحليل دور مقاومة المرأة في رواية الدوامه بناء على علامة الدلالية مخططات فونتين العاطفية، مقالة محكمة، السنة الرابعة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الواحد والخمسون، ربيع ١٤٠٢: ٤٧-٦٦.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2022.16858.3367

الناشر: جامعة الإمام الخميني (ع) الدولية حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.